

منطق فهم دین: ساختار سلسله‌مراتبی ادله در معارف شیعی

صرف ادعای تواتر کافی نیست، بلکه باید نسبت آن با سایر تواترهای موجود در مجموعه معارف دینی سنجیده شود. برخی که خود را اخباری می‌نامند، در حالی که نه اخباری‌اند و نه اصولی، با رویکردی سطحی و با مشاهده یک روایت یا یک ادعای تواتر، گمان می‌کنند به عمق دین دست یافته‌اند. این روشی ناصواب و فاقد مبنای علمی است.

در منطق نیز مبرهن است که یقین دارای مراتب و درجات است و یک درجه واحد نیست. هرچه مرتبه یقین بالاتر باشد، بر یقین در مرتبه پایین‌تر حاکمیت و ولایت دارد.^۱ این حاکمیت، یک نظم سلسله‌مراتبی و هرمی را میان مدارک و ادله ایجاد می‌کند.

رویکرد سیستمی به دین: نقد سطحی‌نگری و مراتب یقین

این رویکرد، تمایز میان «رویکرد راویانه» و «رویکرد فقیهانه» را آشکار می‌سازد. آیات و روایات تأکید دارند که صرف نقل روایت برای افتا کفایت نمی‌کند، بلکه ناقل باید به مقام فقاہت نیز دست یافته باشد.

شاهد آن: آیه شریفه نفر است که می‌فرماید: (... فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...) (سوره توبه، ۱۲۲). در این آیه، «نفر» برای کوچ کردن و اخذ روایت است، اما این مرحله برای صدور فتوا کافی نیست و باید به غایت آن، یعنی «تفقه در دین»، منتهی شود.

نکته: در علم اصول فقه نیز تأکید می‌شود که برای صدور فتوا نمی‌توان به یک دلیل منفرد اکتفا کرد، بلکه «فحص» کامل از سایر ادله ضروری است.^۲ فحص به معنای در نظر گرفتن ارتباط یک دلیل با کل سامانه دین است. بنابراین، نباید به یک دلیل منفرد اکتفا کرد، زیرا دین را نمی‌توان از یک روایت یا یک دلیل جزئی فهمید؛ بلکه باید آن را به مثابه یک سامانه منسجم نگریست. حتی اگر تواتر در یک جهت وجود داشته باشد، باید آن را با ادله معارض یا قرائن دیگر سنجید. ممکن است یک تواتر، تنها در دلالت خود دچار ضعف یا ابهام باشد. این مجموعه باید به صورت یک کل یکپارچه تحلیل شود.

از این رو، گزینش بخشی از دین و رها کردن بخش دیگر، امری مذموم است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: (... أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ...) (سوره بقره، ۸۵). همچنین در نکوهش کسانی که کتاب الهی را تجزیه می‌کنند، آمده است: (الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ) (سوره حجر، ۹۱).^۳ دین یک سامانه به هم پیوسته است، نه امری گسسته. آسیب بزرگ در بسیاری از استدلال‌ها، نگرستن به ادله به صورت پراکنده و جزیره‌ای است.

^۱ این بحث در منطق تحت عنوان «تشکیک در یقین» و در علم اصول فقه در مباحث حجیت و تعارض ادله مطرح می‌شود.

^۲ فحص در اصطلاح اصولی به معنای جستجوی کامل در میان ادله برای یافتن دلیل معارض یا مقید است و از شروط اصلی برای عمل به یک دلیل به شمار می‌رود.

^۳ «عِضِينَ» جمع «عِضَة» به معنای اجزای پراکنده و قطعه‌قطعه شده است. این آیه کسانی را نکوهش می‌کند که قرآن را تجزیه کرده و تنها به بخشی از آن عمل می‌کنند.

مثال بارز این مسئله: روایات متواتری است که در باب اثبات اوایل ماه‌های قمری وارد شده و به «روایات عددیه» مشهورند.⁴ این روایات اگر با معیارهای تواتر سنجیده شوند، قطعاً به حد تواتر می‌رسند. با این حال، مشهور فقهای امامیه این روایات را کنار نهاده و آن‌ها را تأویل کرده‌اند. علت این امر، حاکمیت سیره و رویه مستمر فقها بر عمل به «رؤیت هلال» است که خود متواتر دیگری محسوب می‌شود. در اینجا، یک رویه معتبر و حاکم، بر تواتر دیگر ترجیح داده شده و قرینه قوی‌تری تلقی گردیده است. این نکته‌ای دقیق است که باید به آن توجه کرد.

قواعد تعارض ادله: اولویت جمع بر تخییر

اکنون در بحث تعارض ادله، گرچه تمرکز ما بر تعارض در حوزه عقاید است و نه فروع فقهی، اما نظام کلی پاسخگویی به تعارضات یکسان است.

اشکال: ممکن است گفته شود افرادی که قاعده اولیه در برخورد با ادله متعارض را «تخییر» می‌دانند،⁵ در مسئله‌ای مانند تعارض روایات «عدد» و «رؤیت»، به‌سادگی جانب روایات عدد را برمی‌گزینند.

پاسخ: این فرمایش بزرگان است که فقهی که به‌آسانی به تخییر متوسل می‌شود، در فقاہت خود به صلابت و اتقان لازم نرسیده است. اگر در فقاہت، قوت و چیرگی علمی وجود داشته باشد، مجتهد باید تمام تلاش خود را برای یافتن مرجحات و جمع میان ادله به کار گیرد تا نوبت به تخییر، که نشانه عجز از ترجیح است، نرسد.

توضیح: در علم اصول، پس از بررسی تمام ادله تعارض و ترجیح، برخی قاعده اولیه را تخییر دانسته‌اند. اما باید توجه داشت که قاعده اولیه نزد مشهور اصولیان، «جمع» است، نه تخییر. اساساً «الجمع مهما أمکن أولى من الطرح» (جمع میان ادله تا حد امکان، بر کنار گذاشتن آن‌ها اولویت دارد). جمع عرفی رافع تعارض است و در صورتی که جمع عرفی ممکن باشد، اساساً تعارضی باقی نمی‌ماند تا نوبت به تخییر برسد.

اشکال مجدد: اگر کسی پس از اعمال مرجحات، همچنان دو دلیل را متعارض ببیند و جمع عرفی را ممکن نداند، آنگاه قاعده تخییر را جاری می‌کند.

پاسخ نهایی: این سخن صحیح است، اما موضوع قاعده تخییر، وجود «تعارض مستقر» است. اگر مجتهد بتواند میان دو دلیل، جمع عرفی⁶ برقرار کند، موضوع تعارض منتفی می‌شود. در مسئله روایات عدد و رؤیت نیز جمع عرفی وجود دارد. آیا لازمه جمع عرفی این است که هیچ‌یک از طرفین، حمل بر معنای مجازی نشود؟ چنین الزامی وجود ندارد. مگر بناست همه علما در فهم خود معصوم باشند و هیچ‌گاه دچار خطا نشوند؟

⁴ مقصود روایاتی است که برای اثبات ابتدای ماه قمری، به جای رؤیت هلال، بر کامل کردن عدد روزهای ماه قبل (سی روز) تکیه می‌کنند. این روایات در مقابل روایات «رؤیت» قرار دارند.

⁵ تخییر در اصطلاح علم اصول، یکی از قواعد مواجهه با دو دلیل متعارض است که مجتهد را در عمل به هر یک از دو طرف مخیر می‌سازد. این قاعده معمولاً پس از ناتوانی از جمع دلالتی و ترجیح سندی یا متنی به کار می‌رود.

⁶ مقصود از «جمع عرفی» یا «جمع دلالتی»، روشی برای هماهنگ کردن دو دلیل ظاهراً متعارض است، به گونه‌ای که عرف زبان و عقلا آن را بپذیرند؛ مانند حمل عام بر خاص یا مطلق بر مقید. در صورت امکان جمع عرفی، تعارضی باقی نمی‌ماند.

قاعده: مذهب امامیه بر پایه «تخطئه» استوار است، نه «تکفیر»، «تضلیل» یا «تفسیق».⁷ تخطئه به معنای خطا دانستن نظر مخالف است، اما این خطا دانستن با تندروی و اهانت همراه نیست.

شاهد تاریخی: برخورد بزرگان مکتب اصولی با شیخ یوسف بحرانی⁸ نمونه‌ای از این رویکرد است. با وجود مخالفت شدید وحید بهبهانی⁹ با مبانی اخباری‌گری، شاگردان برجسته او مانند سید محمد مهدی بحر العلوم¹⁰، سید علی طباطبایی (صاحب ریاض)¹¹ و ملا مهدی نراقی¹²، در درس شیخ یوسف بحرانی نیز شرکت می‌کردند. این امر نشان‌دهنده برخورد علمی و محترمانه آنان است. موضع‌گیری قاطع وحید بهبهانی نیز نه علیه شخص شیخ یوسف، بلکه در برابر جریانی بود که می‌توانست به سطحی‌نگری در دین دامن بزند. بنابراین، هر دو رویکرد در جای خود صحیح و قابل دفاع است، بدون آنکه به تصویب¹³ منجر شود. اگر راهی برای توجیه یک دیدگاه وجود دارد، نباید به‌سادگی حکم به تخطئه آن داد.

قاعده: در استنباط، اصل بر «الجمع مهما أمکن» است. این قاعده مانند غذای ارگانیک در برابر غذای شیمیایی است؛ تا زمانی که راهکار طبیعی و اصیل (جمع) وجود دارد، نباید به سراغ راهکارهای دیگر (طرح و کنار گذاشتن) رفت.

مکاتب استخراج اصول حاکم بر دین

برای تشخیص اصول بنیادین و حاکم بر دین، که می‌توان آن‌ها را «دادگاه قانون اساسی دین» نامید، سه مکتب اصلی وجود دارد: - **مکتب اصول قانون:** این رویکرد که قوی‌ترین مبنا را دارد، به دنبال استخراج قواعد بنیادین و حاکم بر سایر ادله، مشابه نقش قانون اساسی در نظام حقوقی، است.¹⁴ - **مکتب فقه المقاصد:** این مکتب نیز با کشف اهداف و غایات شارع از تشریع احکام، به دنبال ارائه معیاری برای فهم نصوص است.¹⁵ - **مکتب مذاق شرع:** این رویکرد تلاش می‌کند روح کلی حاکم بر شریعت را از مجموعه ادله به دست آورد و آن را در استنباط به کار گیرد.¹⁶

⁷ تخطئه در مقابل تصویب، دیدگاهی کلامی و اصولی است که معتقد است در هر مسئله، تنها یک حکم واقعی وجود دارد و رأی مجتهدی که به آن نرسیده، خطاست؛ هرچند در استنباط خود معذور است. این دیدگاه با تکفیر و تفسیق تفاوت ماهوی دارد.

⁸ شیخ یوسف بحرانی (م. ۱۱۸۶ ق)، از بزرگ‌ترین فقهای اخباری و صاحب کتاب مشهور *الحدائق الناضرة*.
⁹ محمدباقر بن محمد اکمل، معروف به وحید بهبهانی (م. ۱۲۰۵ ق)، از مراجع بزرگ و احیاگر مکتب اصولی در قرن دوازدهم هجری.

¹⁰ سید محمد مهدی بحر العلوم (م. ۱۲۱۲ ق)، از شاگردان مبرز وحید بهبهانی و از نوابغ جهان تشیع.

¹¹ سید علی طباطبایی حائری (م. ۱۲۳۱ ق)، فقیه بزرگ و نویسنده کتاب *ریاض المسائل*.

¹² ملا مهدی نراقی (م. ۱۲۰۹ ق)، فیلسوف، فقیه و عالم اخلاق و پدر ملا احمد نراقی.

¹³ تصویب، دیدگاهی است که معتقد است همه استنباط‌های مجتهدان، حتی اگر متناقض باشند، حکم واقعی خداوند در حق آنان است.

¹⁴ به نظر می‌رسد مقصود گوینده، استخراج قواعد بنیادین و حاکم بر سایر ادله، مشابه نقش قانون اساسی در نظام حقوقی، است.

¹⁵ مکتبی در اجتهاد که بر کشف اهداف و غایات شارع از تشریع احکام تأکید دارد و آن را معیاری برای فهم و تطبیق نصوص می‌داند.

¹⁶ رویکردی که تلاش می‌کند روح کلی حاکم بر شریعت و ذوق قانون‌گذار اسلامی را از مجموعه ادله به دست آورد و آن را در استنباط به کار گیرد.

در میان این سه، مکتب «اصول قانون» از همه کارآمدتر و قاطع‌تر است، هرچند از دو مکتب دیگر نیز می‌توان به عنوان ابزارهای کمکی بهره گرفت. برای تفصیل این مطلب، می‌توان به کتبی که در زمینه «مناهیج اجتهاد» نگاشته شده‌اند، مراجعه کرد.

یک پژوهشگر باید به اصول مسلم پایبند باشد؛ یعنی قوانین بلاغت، نحو، صرف، اشتقاق و قواعد اصولی منقح را مراعات کند. اگر در فقه یا هر علم دیگری، قوانین مسلم آن علم را با دقت نظر و چینش صحیح رعایت نماید، از خطاهای فاحش مصون می‌ماند. البته این به معنای عصمت از هر لغزشی نیست، زیرا غیر معصوم همواره در معرض خطا است، اما احتمال ارتکاب اشتباهات بزرگ کاهش می‌یابد.

هرگاه استنباط بر پایه قواعدی چون نحو، صرف، معانی، بیان، اشتقاق و دیگر ضوابط مدون فقهی و اصولی استوار باشد، دیگر رأی به معنای مذموم آن نیست، بلکه نتیجه‌ای است که از تطبیق این فرمول‌ها به دست می‌آید. اما تکیه بر استحسان، گمانه‌زنی‌های شخصی و تعصبات بی‌اساس، فاقد اعتبار است. در جایی که دلیل و برهان حاکم است، جایی برای اعمال سلیقه شخصی وجود ندارد.

نکته:

مراتب اعتبار روایات در فقه امامیه

این مسئله نیز حائز اهمیت است که نباید ظن معتبر را با قطع اشتباه گرفت. چنانکه بارها تذکر داده‌ایم، گرچه سید ابوالقاسم خویی¹⁷ و بسیاری از شاگردان ایشان در حجیت خبر سخت‌گیر هستند، اما اکثریت قاطع فقها صرفاً خبر صحیح را حجت نمی‌دانند، بلکه مراتب دیگری از اعتبار را نیز می‌پذیرند؛ از جمله خبر موثق و خبر حسن.

افزون بر این، روایاتی وجود دارند که راویان آن‌ها توثیق صدرصدی ندارند، اما در کتب رجالی مدح شده‌اند. این دسته از روایات که «قوی» نامیده می‌شوند، از نظر برخی فقها حجت بوده و در مرتبه‌ای پایین‌تر از خبر حسن قرار می‌گیرند. بنابراین، سلسله مراتب اعتبار روایات را که به‌ویژه پس از دوره علامه حلی¹⁸ در فقه امامیه رایج شده است، می‌توان این‌گونه ترسیم کرد: - خبر قوی - خبر حسن - خبر موثق - خبر صحیح - خبر مستفیض - خبر متواتر

توجه: گروهی از علماء، مانند صاحب مدارک¹⁹، تنها خبر صحیح را معتبر می‌دانند و اخبار موثق و حسن را نمی‌پذیرند؛ اما این دیدگاه در میان فقها نادر (شاذ) محسوب می‌شود. اکثریت فقها دایره حجیت را گسترده‌تر دانسته و تا خبر قوی را نیز معتبر می‌شمارند. این دسته‌بندی روایات از آن جهت ضروری است که فقیه بداند در هنگام تعارض ادله، کدام دلیل را بر دیگری ترجیح دهد و در هر مسئله از کدام مرتبه از روایات می‌تواند بهره ببرد.

¹⁷ سید ابوالقاسم موسوی خویی (م ۱۴۱۳ ق)، از مراجع تقلید بزرگ شیعه و از تأثیرگذارترین اصولیان معاصر.

¹⁸ حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م ۷۲۶ ق)، معروف به علامه حلی، از بزرگ‌ترین علمای شیعه که تقسیم‌بندی چهارگانه حدیث (صحیح، حسن، موثق، ضعیف) را نظام‌مند ساخت.

¹⁹ سید محمد بن علی موسوی عاملی (م ۱۰۰۹ ق)، مؤلف کتاب مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام که به دقت در سند روایات شهرت دارد.

برهان تکوینی: آثار بیرونی انسجام فکری شیعه

این‌ها تعصب نیست، بلکه حقایقی است که آمار و تاریخ آن را تأیید می‌کند. یکی از بزرگ‌ترین انحرافات تاریخ اسلام، هجومی بود که ساعاتی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) به خانه اهل بیت ایشان صورت گرفت. با این حال، رهبران آن جریان²⁰ نیز نتوانستند بنیان اسلام را ریشه‌کن کنند. هرچند بیشترین فشارها و مصائب متوجه شیعیان بوده است، اما آنان همواره از یک آسایش و آرامش روحی برخوردار بوده‌اند.

این تفاوت‌ها ریشه در ابعاد تکوینی و معنوی دارد. بر اساس قوام علمی و فرهنگی که برای شیعه فراهم آمده، و با توجه به تأکید بر آداب و احکام نکاح و ازدواج، فرزندان پرورش‌یافته در چنین بستری، از نظر معنوی و روحانی، نورانی‌تری برتر خواهند داشت.

در همین زمینه، فرانسوا توآل²¹ در کتاب مشهور خود، *ژئوپلیتیک تشیع*،²² به تحلیل نقش محوری این «مرد پنهان» یا امام غایب (عج) می‌پردازد. توآل صرفاً به نقل‌باور شیعیان اکتفا نمی‌کند، بلکه اهمیت راهبردی و تمدنی این اعتقاد را برجسته کرده و دلایلی بر تأثیر عینی آن در مدیریت جامعه شیعه اقامه می‌کند. این برهان که می‌توان آن را «برهان تکوینی» نامید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

زبان تکوین و حقایق جاری در عالم هستی، خود برهانی بزرگ و بصیرتی عظیم برای حقانیت دین اسلام است و به‌منزله معجزه تکوینی خداوند عمل می‌کند.

²⁰ مقصود، جریان شکل‌گرفته در سقیفه بنی‌ساعده است که به خلافت ابوبکر انجامید.

²¹ فرانسوا توآل (François Thual)، متخصص ژئوپلیتیک فرانسوی و پژوهشگر مسائل شیعه.

²² اصل کتاب با عنوان *Géopolitique du chiisme* در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. ترجمه فارسی آن نیز در سال‌های بعد در ایران به چاپ رسیده است.

هشدار مهم

شماره صفحات در تمام منابع مذکور در پاورقی‌ها باید با نسخه‌های چاپی بررسی و تطبیق شوند.